

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

شاعر: رهیاب

فرستنده: جهانگیر محبی

۰۲ جولای ۲۰۱۲

پیشکش به رفقای گرامی درپورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

خاک و تاک

در این دوران تلخی که مرارت ها فراوان اند
کجا باید پناه آریم، جز آنجایی که یاران اند؟
اگر خاک است و بی آبی و گر تاک است و بی تابی
بنازم نسل باران را که عین چشمه ساران اند
«رفیقانم کجا رفتند؟» بگو ای صبح آزادی
«عزیزانم، که می دانی همه مرغ سحرخوان اند؟»
یقیناً غربت است، آنجا که بی یاران غمخواریم
و از غربت بدتر اینجا که گفتار و شغلان اند
«ورای حد تقریر است، شرح آرزومندی» حافظ
بیا حافظ، ولی بنگر، بسی در خط پایان اند
شما ما را مسنجید از طریق عقل بازاری
که رهپویان راه عشق، کجا سود و زیان دانند؟
صفائی هست اگر اینجا، وفائی هست اگر با ما
خوشا بر حلقه ای، کاتجا پراز این و پراز آن اند
فدای همت آن گل که در مرداب می روید
و تفسیرش از این هستی که در ژرفاش حیران اند
از این نامردمی ها و از این تاراج بی پروا
یقیناً رفتنی هستند و اینها هم نمی مانند

یگانه حسن این عالم، همین تغیر و تغیر است
که مادر متن آن هستیم و فیلسوفانش می دانند
یکی رفت و یکی آمد ، وزیری هم نمی ماند
در این شطرنج عشق آری، همه مات اند و حیران اند